

صدوسی و اند اثر فارسی در موسیقی

از : محمدتقی دانش پژوه

نوشته‌ای که از هم اکنون - طی چند شماره - بنظر خوانندگان محترم می‌رسد یکبار در مجله هنر و مردم (شماره‌های نود و چهارم تا صدم) درج شده ، ولی از آنجا که مفاد آن اهمیتی بسزا برای موسیقیدانان و خوانندگان مجله موسیقی حائز است ، ما ، با اجازه نویسنده و تشکر از او به درج مجدد آن مبادرت می‌کنیم.

موسیقی و خنیاگری در ایران و محیط اسلامی مانند دو علم سخنوری و بلاغت، کشورداری و سیاست، دارای دو جنبه است: علم و فن. نخستین آندو جنبه از یونان و رومی از ایران است: جنبه علمی آن بایستی از کتابهای یونانی که به عربی در آمده است گرفته شده باشد. زیرا چندین دانشمند یونانی می‌شناسیم که در گذشته در تدوین این علم از آثار آنها بهره برده‌اند، مانند:

۱- فیثاغورس که رساله الموسیقی از او یاد کرده است. اریستوکسنوس می‌نویسد که او موسیقی را باریاضی پیوند داده بوده است. در کتابهای موسیقی آرائی هم باو نسبت داده‌اند.

۲- افلاطون در کتاب تیمائوس، که به عربی هم در آمده ، از موسیقی

گفتگو داشته است .

۳- ارسطو در المسائل (یا پرلماتا) و کتاب النفس و کتاب الحيوان و نیز کتاب «ثامیس فوسیکا» (Thasis Fusiqa) از موسیقی کاوش نموده است.

۴- آریستوکسنوس یا ارسطکسنوس Aristoxenus که در ۳۵۰ میزیسته و شاگرد ارسطو بوده و گویند ۴۵۳ کتاب ساخته است. از آنها تنها «آرمونیکا استوئیخیا» مانده است که در زبان فرانسه آن را «Elment Harmonique» میخوانند و به عربی «اصول النغم» و گویا همان کتاب الریموس (یا کتاب الرئوس) باشد که ابن الندیم از آن نام می برد و میگوید در یک مقاله است و این یکی کهن ترین کتاب موسیقی شناخته شده است. نیز پاره ای از «Sur le Rithme» او در دست است. این ندیم از او الایقاع هم نام می برد که آنها هم یک مقاله است. به کتاب او نام (پری موسیکن) هم داده اند که نام عامی باید باشد. اریستوکسنوس برخلاف فیثاغورس در موسیقی متکی به تجربه و احساس بوده که شاگردانش، در برابر شاگردان فیثاغورس) یا - Harmonistes par calcul (-، نام Harmonistes گرفته بودند .

۵- مورسطوس Muristus که از «کتاب فی الالات المصوتة المسماة بالار غنن البوقی والار غنن الزمری» و «کتاب آلة مصوتة سمع علی ستین میلا» ی او یاد کرده اند .

۶- اقلیدس که از او «قول اقلیدس علی اللحون و صنعة المعازف و مخارج الحروف» به عربی در دست است (فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ص ۴۴۵). ابن الندیم از دو کتاب او یاد میکند:

الف - کتاب النغم که شاید همان «ایسا گوگی آرمونیک» باشد که میگویند از کلتونیدس است.

ب- کتاب القانون که باید همان «کاتاتومی کانونس» باشد.

۷- بولس که از او «عنصر الموسیقی و ما افترت علیہ الفلاسفہ من ترکیبه و مائتته» به نقل اسحاق بن حنین در دست است (فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ص ۴۴۵) .

۸- نیکوماخوس اسطاغاریائی جهراسینی Nicomachus Grasenus

که از «الموسیقی الکبیر» و «کتاب النغم» او یاد کرده اند.

۹- جالینوس که «کتاب الصوت دارد» .

۱۰- ساعاطس که ابن‌الندیم از (کتاب الججلج الصیاح) او یاد کرده است. (نام او را در کتابهای اروپائی نیافته‌ام.)

۱۱- آلپیوس Alpius که از او کتاب Sémeia را یاد کرده‌اند. ازدانشمندان دیگر مانند بطلمیوس و پلوتارخوس دروغین و باکخیوس و ثاون (تئون) و ثامسطیوس و سمپلیقیوس هم آثاری در دست بوده است. آثار بیشتر این دانشمندان تا نیمه یکم سدهٔ ۴ به عربی درآمده بوده است.

ابن‌الندیم از «کتاب آله‌الزمرالبوقی» و «کتاب آله‌الزمرالریحی» و «کتاب الارغتن» یاد میکند که نمیداند از کیست.

نام کتاب «قول‌الحکماء فی‌الموسیقی» را در کتابها خوانده‌ام. بنگرید به :

- ۱- الفهرست ابن‌الندیم (فهرست نامها).
- ۲- تاریخ‌الحکماء قفطی (فهرست نامها).
- ۳- تاریخ‌الموسیقی العربیة از فارمر، ترجمهٔ عربی حسین نصار و عبدالغریز اهوانی چاپ ۱۹۵۶ مصر (فهرست نامها).
- ۴- Greek theorists of music in arabic translation. H.G. Farmer (مجلهٔ ایسیس «Isis» ۱۳/۲ ص ۳۲۵-۳۳۳ سال ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰).
- ۵- لاروس ده جلدی زیر کلمه «آریستوکسنوس».

جنبهٔ هنری و عملی موسیقی اسلامی باید از ایران باشد، چه گذشته از موسیقی دانه‌ای نخستین آغاز ترقی تمدن اسلامی مانند :

۱- یونس فارسی کاتب مؤلف «کتاب مجرد یونس» و «کتاب‌القیان» و «کتاب‌النغم»؛

۲- ابومنصور ابان نوادهٔ یزدگرد ساسانی و پسرش ابوعلی یحیی و پسرش ابوالحسن علی و پسرش ابواحمد یحیی که در زمان مأمون تا متوکل میزیسته‌اند؛

۲- اسحاق بن ابراهیم بن ماهان بن بهمن بن نسک ارجانی موصلی (۱۵۰-۲۳۵) مؤلف «الآغانی‌الکبیر» و جز اینها، که باید از لابلای کتابهای ادب و تاریخ و محاضرات بنام و آثار آنان برخوردار، به الفاظ و اصطلاحاتی در موسیقی در کتابهای کهن برمیخوریم که به فارسی است. در امثال «الاصطلاحات الموسیقیة» تألیف کاظم به ترکی و ترجمهٔ عربی آن از ابراهیم داغوقی (چاپ ۱۹۴۶ بغداد) و معجم‌الموسیقی العربیة از حسین علی محفوظ (چاپ ۱۹۶۴)

بغداد) این الفاظ گردآوری شده و رویهم رفته گواهی است درست که این هنر از ایران و هنرمندان ایرانی گرفته شده است.

در این موسیقی عامل سومی هم هست که تأثیر آشکاری در آن نموده است و آن موسیقی هندی است، چه حمزه اصفهانی در سنی ملوک الارض والانبیاء در سرگذشت بهرام گورویزدگرد، شهریار ما را از «جواسنه» و «جوسان» (گوسان) و «اکاثل» که در دربار ساسانی بوده‌اند آگاهی میدهد و می‌نویسد که پادشاه هند به درخواست بهرام گور دوازده هزار خنیاگر هندی نزد او فرستاده بود و او آنها را در شهرهای ایران پراکنده ساخت تا مردم از آنها بهره برند و آنها همان «زط» هستند که تا زمان یزدگرد شهریار هم بوده‌اند، همانکه امروز آنها را کولی (کولی، کاپلی) یا جوکی (پیروان آئین یوگا) میخوانیم (ص ۴۹ و ۵۵ سنی ملوک الارض راهنمای کتاب ۱۱: ۵ ص ۲۶۹ و ۷۱۱ ص ۴۱۱).

در طبقات ناصری قاضی منهاج سراج (ص ۱۶۲ ج ۱) آمده:

«واز عجم کس فرستاد و از «رای» سرود گویان هند طلبید. «رای» یک هزار زن و مرد سرودگوی بر بهرام فرستاد.
گویند لولیان ایران از آن نسل‌اند.

کلمه «اکاثل» که در سنی ملوک الارض والانبیاء دیده میشود شاید جمعی تحریف شده از کلمات (کولی، کولی، لولی) باشد.

از رساله‌های موسیقی هندی هم که بنام آنها خواهیم برخورد، پیداست که از سده هشتم (وبه ویژه یازدهم) دانشمندان ایرانی هندنشین و هندویان فارسی زبان به ترجمه رساله‌های موسیقی هندی بفارسی و نقل مطالب آنها در زبان فارسی دست یازیده‌اند و سه عنصر ایرانی، هندی و یونانی در موسیقی متداول میان فارسی زبانها در این کتابها آشکار است.

در موسیقی ایرانی عنصر مغولی نیز بگواهی جامع‌الالحن مراغی و همچنین عنصر چینی بگواهی ساز چینی مراغی، چنانکه نوّه او محمود مراغی در مقاصد الادوار نوشته، تأثیر کرده است.

چند عامل در محیط اسلامی و سرزمین ایران موجب روایی این هنر بوده است.

الف - توده مردم که در سورها و سوگها با آهنگها و آوازهای بومی و تصنیفهای محلی مراسمی را توأم با رقصها و سرودها و مویه‌ها و ترانه‌ها

و شعرهای عامیانه اجرا میکرده‌اند.

- آهنگها و سرودها و ترانه‌ها و تصنیفهایی که اکنون در میان آنان مانده یاد کتابهای تاریخ مانند راحة الصدور یا در کتابها و رساله‌های موسیقی مانند خاتمه جامع الالحان و رساله امیرخان کوکبی گرجی و همچنین فهلویاتی که در برخی از کتابهای فنی مانند معیار الاشعار خواجه طوسی و جز اینها می‌بینیم، نمونه‌ایست از این سنت پا برجای مردم عادی ایران. و همینها خود یکی از منابع تاریخ تحول موسیقی و رقص در ایران می‌باشد.

ب - دربار پادشاهان و فرمانفرمایان که جایگاه پروردن و برکشیدن موسیقی دانان و موسیقی شناسان مانند ثابت بن قره و کندی و فارابی (فهرست فیلمها ص ۳۹۱ و ۴۴۵) و ابن سینا و دیگران بوده است. موسیقی در آنجا توأم با رقص اجراء میشده همچنانکه نقاشان و مصوران و نگارگران و مجلدان و قاطعان و شطرنج بازان^۱ و ورزشکاران و هنرمندان دیگر هم بدانجا پناه می‌برده، شاهکار هنری خویش را نشان میداده‌اند.

در کتابهای تاریخ و منشآت به نامه‌هایی برمیخوریم که فرمانروایان به موسیقی دانان و نوازندگان نوشته‌اند مانند:

۱- غیاث الدین منصور دشتکی قواعد شطرنج دارد بفارسی در دو فصل که برای شاه اسماعیل ساخته است (ملك ۱۳ ر ۶۸۸ مورخ ۲۴ ر ۹۷۳).
- مجنون رفیقی شطرنج منظوم خود را بنام «شاه شرخ تاجور» سروده است (نشریه ۶ : ۶۵۳).

- فرصت شیرازی هم بنام ناصرالدین شاه در ۱۲۹۱ شطرنجیه ساخته است (ادبیات تهران ۲ : ۲۶، آصفیه هند ش ۳۹۵ ج ۳ ص ۷۱۸، نسخه ش ۱۱۲۳ دکتر حسین مفتاح).

- هدایة الله لسان الملك ملك المورخین از درباریان قاجار در رساله‌ای بنام حرمة الشطرنج از قواعد بازی شطرنج یاد کرده و آنرا بنام مظفرالدین شاه و میرزا علی اصغر خان امین السلطان ساخته است (نسخه ش ۳۲۴ فارسی کتابخانه ملی تهران مورخ ۱۳۱۳ یادشده در فهرست آقای انوار، ۳۱۸ - نسخه ۲۰۴۶ مجلس مورخ صفر ۱۳۱۳ یادشده در فهرست ۶ : ۴۵).

- از عارفان، علاءالدوله سمنانی (۶۵۹ - ۷۳۶) رساله شطرنجیه دارد در سلوك عرفانی بزبان شطرنج، نسخه‌ای از آن در مجلس هست (ش ۳۲ ر ۵۱۸۰ فهرست ۱۵ : ۳۳۴) و در آستان قدس ش ۲۰۶ اخلاق (۶ : ۴۴۱) و فیلم شماره ۲۲۵۳ دانشگاه تهران از روی آن (فهرست فیلمها ۱ : ۶۵۹).

- اینجا ما بیاد شطرنج العرفاء میافتیم که در فهرست دانشگاه شناخته‌ایم (۴ : ۱۰۵۰).

- ۱- نامه و نشان امیر تیمور در سفارش خواجه کمال الدین عبدالقادر حافظ مؤلف مقاصد الالحان به مردم سمرقند مورخ ۱ رجب ۸۰۰ (ملک ۸۳۲/۵) گ ۹۱-۹۲ پ به خط ۸۳۷).
- ۲- نامه و نشان سلطان شیخ اویس بن حسن ایلکانی جلایری (۷۵۷-۷۷۷) درباره همو.
- (ملک ۸۳۲/۶ گ ۹۲ پ - ۹۳ ر به همان خط) .
- ۳- نامه و نشان سلطان احمد بن شیخ اویس ایلکانی (۷۸۴-۸۱۳) در باره همو مورخ میانه های صفر ۷۷۹ (ملک ۸۳۲/۷ گ ۹۳ روپ بهمان خط) چنانکه در دیباچه مقاصد الالحان (ص ۲۳) آمده است نسخه ای از آن در سپهسالار باید باشد. (نیز «دانشمندان آذربایجان» ص ۲۵۹) .
- در سده ۱۰ و ۱۱ نیز نامه هایی نوشته می شده است مانند:
- ۱- دعوت خان احمد خان از استاد زیتون خنیاگرا از تولم به رشت (منشآت ش ۵۶۴۵ دانشگاه تهران ش ۱۲ گ ۲۰ ر) .
- ۲- حکم سرکاری و کلانتری سازنده ها و نوازنده ها برای همین استاد زیتون و حکم سپهسالاری تولم برای وی از همو (منشآت او: ش ۸۰ و ۷۹ و ۱/۳۳۰ دانشگاه) .
- ۳- حکم سرکاری محمد مؤمن عودی برای سازنده ها از همو (منشآت او: ش ۳۳۰ ۱/۴۹ دافشگاه) .
- ۴- پاسخ نامه قوالان رودسر به خواجه کمال رودسری (همان منشآت ۳۳۰ ۱/۵۳) .
- در پایان همایون نامه شهاب منشی نسخه آقای سلطان القرائی ، به سه نامه دیگر برخوردیم که باید از همین زمانها باشند :
- ۲۰۱- نامه بی عنوان با اصطلاحات موسیقی (دوتا) .
- ۳- رقعۀ میر صدرالدین ، گویا همان محمد سیفی قزوینی مؤلف رساله در علم موسیقی ، که یکی از ارباب نغمه نوشته و فرستاده است (دوبار) .
- ج - تجوید و قرائت قرآن کریم که بانوعی موسیقی همراه بوده و بسیاری از موسیقی دانهای ایرانی و اسلامی لقب حافظ داشته اند و خواجه کلان خراسانی می گوید که در اثنای حفظ کلام قیوم گاه گاه در ترنم موسیقی اقدام میکردم ، همچنانکه خود مصحف را ، با منعی که در آغاز شده بوده است ، میکوشیده اند که باخطی خوش بنویسند و بازار و رنگهای دیگر بیارایند و در

جلدی زیبا بگذارند و در آن انواع هنر بکار برند، همچنانکه مساجد و مزارات، که پرستشگاه و نیازخانه است، خود جلوه گاه هنر شده بود، با اینکه از آراستن مساجد نهی کرده بودند، همین مساجد و مزارات است که باستان شناسان بدانها از رهگذر هنری می نگرند.

۵ - سوگواری مذهبی و مناقب گویی و فضایل خوانی که باربزه کاریهای هنر موسیقی و نوعی رقص دست بند توأم بوده است، بلکه این اواخر به شمایل گردانی نیز می پرداخته اند.

۵ - بررسی علمی محض که بسیاری از دانشمندان تنها بهمین جهت به فرا گرفتن این علم می پرداختند و از این رهگذر آن را مانند شطرنج و نرد روا میدانسته اند، اگر چه در عمل با آن سروکاری نمیداشته اند. اینست که دانشمندان آشنای به فلسفه ضمن کتابی مبسوط یا در رساله ای جداگانه از آن بحث می کرده اند مانند این زیله که کتابی در موسیقی دارد بنام «الکافی فی الموسیقی» (تاریخ الموسیقی فارمر ص ۲۰۹) و خیام را هم رساله ایست (فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۴۴۵) و فخرالدین محمد خجندی در پیرامون سخن ابن سینا در قانون که نبض را طبیعت موسیقاری است رساله ای ساخته و در آن از نسبت موسیقی گفتگو داشته است (فهرست دانشگاه ۶ : ۲۲۳۵).

۹ - سماع صوفیان که در تکایا و زوایا و خانقاهها اجراء می کرده اند و آن با نوعی موسیقی و رقص توأم بوده است، همچنانکه نشانه هایی از نقش و نگار و شمایل سازی هم در خانقاهها می بینیم و درویشان جهان، گرد و جوان، مردان و برنا پیشگان، به ورزش و کشتی گیری و علم داری نیز می پرداخته اند. صوفیان و عارفان در کتب خویش از سماع و فوائد آن بحث می کرده اند. در اللمع والقشیریة و کشف المحجوب و احیاء العلوم و کیمیای سعادت و جز اینها این بحث را میخوانیم. علاءالدوله سمنانی رساله ای در سرسماع دارد (فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۱۹۳) در الموسیقی الشرقیة والغناء العربیة تألیف قسطندی رزق (چاپ قاهره در ۴۳-۱۹۳۶ ج ۵ ص ۱۰۰) چنین آمده است که سلف صالح به دلیل روایت های نبوی، غناء و سماء آلات لهورا روا میدانستند. آنگاه فصلی از مقدمه ابن خلدون در آن نقل شده است که از رهگذر تاریخ موسیقی اسلامی بسیار سودمند است. درباره این مسأله می توان به کتاب احیاء العلوم غزالی (۲: ۲۶۶) و کیمیای سعادت او و المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء فیض کاشانی (۱: ۳۶۱) نگرست و در کتابهای فقهی شیعی هم از آن

بحث شده است .

من در اینجا از چند کتاب که در آنها از غناء بحث شده است یاد میکنم:

۱- رساله فی الغناء : محمد باقر محقق سبزواری . در گذشته بسال

۱۰۹۰ (دانشگاه ۱۴/۳۵۱۴- سه سالار ۱۳/۸۱۹۰ فهرست ۵: ۳۵۲) .

۲- رساله فی الغناء: مولی اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی خواجه جویی

اصفهانی در گذشته ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ در رد محقق سبزواری بعربی (ذریعه

۱۶: ۶۰- ملك ۱/۵۹۱).

۳- رساله فی الغناء: فیض کاشانی، که میگویند آنرا تجویز میکنند (ذریعه

۱۶: ۶۲).

۴- اعلام الاحباء فی حرمة الغناء : میر محمد هادی فرزند میرلوحی

حسینی سبزواری در يك مقدمه و پنج فصل و يك خاتمه بفارسی که گویا رد

رساله منسوب به فیض است (مجلس ۱۷: ۱۲۴ ش ۱/۵۶۷۲ - ملك ۲/۵۹۱-

فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۲۹۲).

۵- فوائد السماع ، محمد علی حزین لاهیجانی ، بفارسی (ملك ۲۱/

۴۰۵۷) .

۶- ایقاظ النائمین و ایعاض الجاهلین: سید محمد ماجد حسینی بحرانی

درباره غناء در يك مقدمه و دو مقصد (ذریعه ۲: ۵۰۵).

۷- رساله فی الغناء : میرزا ابراهیم بن میرزا غیاث الدین محمد خوزانی

اصفهانی قاضی عسگر نادرشاه در رد آن (ذریعه ۲: ۵۰۵) .

۸- رساله فی الغناء؛ سید محمود خوانساری زاده بسال ۱۲۰۷ (دانشگاه

۵: ۱۸۹۲) .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹- رساله فی الغناء : میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی .

۱۰- رساله فی الغناء : آقا محمد علی کرمانشاهی در گذشته ۱۲۶۹ که

در محرم ۱۲۶۳ ساخته است (ذریعه ۱۶: ۶۲).

۱۱- رساله فی الغناء : سید محمد کاظم رشتی که به درخواست واعظی

اصفهانی بفارسی ساخته است (ملك ۳/۳۰۴۸).

۱۲- رساله فی الغناء : میرزا عبدالرزاق ابن علی رضابن عبدالحسین

قزوینی اصفهانی همدانی حایری واعظ، زاده بسال ۱۲۹۱ (ذریعه ۱۶: ۶۲) .

۱۳- رساله فی الغناء : نظر علی طالقانی تهرانی در گذشته بسال ۱۳۰۶

در خراسان (ذریعه ۱۶: ۶۲) .

- ۱۴- رساله فی الغناء: محمد هادی تهرانی در گذشته بسال ۱۳۲۱ در تجویز غناء (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۱۵- رساله فی الغناء: محمد رسول کاشانی (۵/۵۷۵۶۴ : ۳۵۳) .
- ۱۶- رساله فی الغناء: ابوالمجد آقا رضای اصفهانی در گذشته بسال ۱۳۶۱ (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۱۷- ازالة القناع عن وجوه السماع (ایوانف ۲ : ۳۱۹) .
- ۱۸- اثبات سماع الغناء (ایوانف ۲ : ۳۳۹) .
- ۱۹- تنبیه الغافلین و تذکیر العاقلین: شیخ علی عاملی اصفهانی در تحریر غناء .

۲۰- مقامات السالکین که مؤلف نام خود را به رمز آورده و در آن یک مقدمه و دو فصل و یک خاتمه گذارده است . مؤلف در آن از شیخ بهائی و سید داماد و محمد امین استرآبادی و فیض کاشانی و مولی حسن فاضل گیلانی قمی یاد میکند و غنا را مباح میداند و یکی از دلایل او سمعی است که در مجلس شیخ صفی و شیخ زاهد و پیروان آنان میکرده اند. وی میگوید که من رساله وجدیه ای دارم. پیداست که او یکی از اخباریان و فقیهان و متکلمان و عارفان درباری زمان صفویان است (دانشگاه ش ۵۷۰۲ ش ۲۰۲ نفیسی - فهرست فیلمها ۱ : ۲۰۲) :

۲۱- مقامات السالکین: ملاشاه محمد بن محمد دارابی شیرازی متخلص به شاه و دارا بگردی و مؤلف تذکره شعراء و لطیفه غیبی در شرح دیوان حافظ میان سالهای ۱۰۳۸ و ۱۰۴۳، قطب الدین محمد نیریزی در فصل الخطاب از او یاد میکند (ذریعه ۴ : ۳۸ و ۹ : ۴۹۷ و ۱۸ : ۳۱۷ و ۳۲۶- فرهنگ سخنوران ۲۸۹ - فهرست دانشگاه ۴ : ۴۳۲). نسخه ای از آن در موزه بریتانیا است (Or. 11005) و در مصطلحات موسیقی است و آراء دانشمندان اسلامی در روایی و ناروایی غنا و موسیقی بادبیاچه ای شیوا از مولانا خداداد (در ۱۱ ص) مورخ ۵ - ۱۱۰۴ در ۵۸ برگ . / فهرست اونس ص ۳۳ - نشریه ۴ : ۶۶۰) .

در فهرست ابن الندیم و الاغانی ابوالفرج اصفهانی و کتابهای ادب و تاریخ بنام بسیاری از موسیقی دانان و مغنیان و نوازندگان برمیخوریم و میتوانیم از روی آنها سرگذشت آنان را تدوین کنیم. دشواری کار در تدوین تاریخ موسیقی سده هشتم به بعد است که مدارک کافی در دست نیست جز اینکه

مطالب پراکنده‌ای را که در لابلای کتابها هست، گرد بیاوریم و چنین تاریخی را بنویسیم به مثل در اینجا من از چند مدرک نام می‌برم :

- در روضة الصفاء و حبيب السیر بنام چند موسیقی‌دان و خنیاگر برمیخوریم.

- در روضات الجنات اسفزاری (ص ۹۳ ج ۲) از خواجه رضوان شاه و عبدالقادر مراغی یاد شده است.

- در تحفه سامی از اینان یاد میشود :

۱- بنائی هروی خوشنویس خوشخوان .

۲- حافظ باباجان تربتی خوشنویس نقار استاد وزرافشاننده در استخوان و سازنده عود و شترغو.

۳- حافظ مجلسی تبریزی خوشنویس نقار و نوازنده قانون و شترغو .

۴- استاد دوست محمد عودی سازنده هروی.

۵- عاشقی ارنه‌ای سیستانی شاعر نقاش ادواربند .

۶- عشرتی قلندر صحاف آگاه به علم ادوار .

۷- ملک قزوینی (یا تبریزی) خوشنویس، شاعر و موسیقی‌دان .

۸- میرشریف هروی خوش آواز و موسیقی‌دان .

۹- حافظ خوگره فراقی تبریزی نقاش و خواننده شاعر.

۱۰- محب‌علی نابی هروی خوشنویس .

همچنین از چند قصه‌خوان در آن یاد میشود که از موسیقی نمی‌بایستی بیگانه باشد (فهرست نامها).

- در عالم آرای عباسی یاد میشود از :

۱- استاد حسین شوشتری بلیانی سرنایی

۲- استاد اسد سرنایی نقاره‌خانه همایون .

۳- حافظ احمد قزوینی.

۴- حافظ جلاجل.

۵- حافظ مظفر قمی عراقی خواننده بروش خراسانی.

۶- حافظ هاشم خواننده.

۷- میرزا کمانچه‌ای سازنده و عود نواز.

۸- محمد مؤمن عود نواز و سازنده.

۹- شاه سوار طنپوری چهار تار نواز .

- ۱۰- شمس شترغوثی مصنف .
- ۱۱- استاد معصوم کمانچه‌ای سازنده ورامین .
- ۱۲- استاد سلطان محمود طنبوره‌ای مشهدی .
- ۱۳- میرزا طنبوره‌ای نوازنده طنبور در عراق .
- ۱۴- استاد سلطان محمد جنگی .
- ۱۵- حیدر قصبه‌خوان .
- ۱۶- محمد خورشید اصفهانی قصبه‌خوان .
- ۱۷- فتحی شاهنامه خوان و خواننده برادرش .
- در جامع مفیدی (۳ : ۴۴) یاد میشود از: امیرسیدعلی میرصوتی .
- در بهجة الروح از چند موسیقی‌دان یاد میشود (فهرست نامها) مانند سعدالدین محی آبادی ، شمس‌الدین کازرونی ، کمال‌الدین کازرونی ، سیدفخرالدین ، سیدحسین اخلاطی ، شیخ نجم‌الدین مؤلف فصوص روحانی .
- در گلدسته اندیشه وقاری طبسی یزدی سرگذشت برخی از موسیقی‌دانها هست (ش ۲۰۵۸ و ۳۴۰۲ دانشگاه) .
- در رستم‌التواریخ (ص ۳۴۰ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱) از هنرمندانی یاد شده که از میان آنها میتوان نام چند خواننده و خنیاگر را یافت .
- در طرائق الحقایق (۳ : ۳۹۳) آمده است که میرزا محمد مشتاق علی شاه تربتی خراسانی دکنی پسر میرزا مهدی ظهور علی‌شاه اصفهانی و کشته بسال ۲۱ رمضان ۱۲۰۶ ، ورزش‌کار و موسیقی‌دان بوده و «تاروحدت» داشته است .
- در فهرست نامهای مجلد نهم ذریعه (ص ۶ - ۱۴۵۵) هفتاد و هشت شاعر موسیقار (موسیقی‌دان) برشمرده شده که سرگذشت آنان در این مجلد در جاهای خود آمده است .
- دانشمند ارجمند آقای محمد محیط طباطبائی از وجنگی یاد میکنند که در آن سه رساله بوده و برداشته‌اند (مجله موسیقی س ۳ ش ۱۱ و ۱۰ ص ۲۲-۲۴) :-
- ۱- رساله الموسیقی لامیر صدرالدین القزوینی (که پس ازین خواهیم آنرا شناخت) .
- ۲- رساله اخری للحسین بن محمد المنشی الجنابدی (گویا پسر مؤلف تذکرة النغم که پس ازین خواهیم دید) .
- ۳- حل مشکلات دیوان انوری از میرزا الغبیک ، در این مجموعه

بنوشته ایشان نامه کوتاهی است از سلطان علی مشهدی به سلطان حسین میرزا که او را به باغ نورا خوانده بوده است. در این نامه از این موسیقی دانها و هنرمندان یاد میشود که در آن باغ بوده اند:

سید نجم الدین عودی، شاه درویش نابی، شهاب دمکش، حافظ صابرقاق، صاحب مصنف، خواجه شادی شاه، مولانا یقینی، مولانا غیاث الدین مذهب، خواجه عبدالله قاطع، ماه پاره مجلد، سید بابای افشانگر، شکری چارتاری، ایثار بیک ینی از مقبولات، خواجه ایغور وزیر، قاسم بیک برلاس، امیرزاده، طوفان بیک بهادرخان، سلطان خان جلایر، حورنژاد شاه خانم مهرطلعت از محبوبان، شاه ناز خاتون نغمه سرای، حواماری صاحب صوت، امیر شیخم سهیلی، امیر ملک جوینی، خورشید خانم بزم آرای. چنین بزمی هم در چهار باغ پرزه هرات برگزار شده بود و از آن یاد خواهیم کرد.

در باره کتابهای موسیقی، نگارنده در فهرست دانشگاه (۳: ۱۰۳) اندکی بررسی کرده ام. در مجله موسیقی (ش ۱۱۰): (ص ۱۵) مقاله ایست از آقای حسین علی ملاح درباره نسخه های خطی رسالات عربی موسیقی کتابخانه بادلیان که از فهرست فارمر Farmer بهره برده است. ایشان در همین مجله (۱۱۶: ۱۱۷ و ۲۴) باز مقاله ای دارند درباره صاحبان رساله های موسیقی از روی سخنان فارمر و افزوده هایی از خود ایشان و در آن از گروهی موسیقی دانهای اسلامی که به عربی رساله نوشته اند یاد شده است.

آقای منوچهری باستانی در همین مجله (۵-۱۰۴: ۲۹-۳۶) مقاله ای دارد و در آن از نسخه های شماره های ۱۴۲ و ۵۶۵ و ۲۹۱۱ و ۲۹۱۳ و ۲۹۳۱ و ۷۴۲۱ مدرسه سه سالار و شماره های ۶۰۰ و ۶۲۶ و ۲۲۰۷ و ۲۲۱۱ و ۲۲۱۳ کتابخانه مجلس بررسی نموده است. در یادداشت های قزوینی (۷: ۱۶۲ و ۲۲۹) نکاتی درباره موسیقی آمده است.

بر شمردن کتابهای موسیقی عربی رشته ایست که سری دراز دارد و باید به فهرست بروکلن و دائرة المعارف اسلامی و آثار فارمر و سخنان خاور شناسان دیگر و رساله هایی که چند سال پیش دانشمندان عراق نشر کرده اند نگریم.

نگارنده در اینجا از پاره ای از آثاری که بفارسی نوشته شده است یاد میکنم:

۱- دانشنامه علائی : ابن سینا، بخش موسیقی در تألیف و ایقاع (فهرست مهدوی ص ۱۱۱) .

۲- رساله در موسیقی . محمد بن محمود نیشابوری در ده فصل، من این راز روی تنها نسخه شماره C 612/2 آکادمی علوم شوروی (فهرست فیلمها ص ۶۲۵) در «هفتاد سالگی فرخ» (ص ۹۹-۱۰۳) چاپ کرده ام .

۳- بندی در موسیقی از افضل الدین کاشانی، در گذشته بسال ۶۱۰ که در مصنفات او چاپ شده است (ص ۶۵۳) .

۴- حدائق الانوار یا جامع العلوم امام فخرالدین تبرستانی رازی (دیباچه یواقیت العلوم از نگارنده) .

۵- مجمل الحکمة ، که ترجمه گونه و گزیده ایست از الرسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء و باید پیش از ۶۰۸ بنگارش در آمده باشد (همان دیباچه) .

۶- درة التاج لغرة الدباج : قطب الدین شیرازی که در ۶۷۴ ساخته است و موسیقی آن در یک مقدمه و پنج مقالت هریک چند فصل و مبحث و خاتمه است. وی در آن از فارابی طرفداری نموده و سخنان ارموی را در خرده گیری از او رد کرده است .

اوراست شرحی بر الشرفیة صفی الدین عبد المؤمن ارموی (مقاصد الالحان ص ۵۳ و ۵۸ و ۶۲) که باید بد عربی باشد.

۷- نفائس الفنون و عرائس العیون : شمس الدین محمد آملی که در ۷۳۵ - ۷۴۲ ساخته و موسیقی آن در پنج باب است . در آن از سخنان صفی الدین عبد المؤمن ارموی در الشرفیة خورده گیری شده آنچنانکه در موسیقی درة التاج می بینیم (همان دیباچه) .

۸- رساله در موسیقی : امیر خسرو دهلوی ابوالحسن بن امیر سیف الدین محمود لاجین هزاره ای بلخی (۶۵۱ - ۷۲۵) شاعر فارسی زبان و مؤلف قانون استیفاء که در نشر هنر موسیقی کمک کرده و قوالان هند او را استاد خویش میدانسته اند .

وحید میرزا در سرگذشت او کتابی دارد بنام - The life and works of Amir Khusrow, by Wahid Mirza - که در کلکته بسال ۱۹۳۵ جزو نشریات دانشگاه پنجاب بچاپ رسیده است . محمد حبیب هم کتابی درباره او دارد . من نتوانستم در تهران هیچیک از این دورا ببینم گویا وحید میرزا در

باره این رساله بحثی کرده باشد. در ادبیات فارسی استوری (۱ : ۴۹۵) و دیباچه سعید نفیسی بردیوان او (ص ۱۲) و مجله مهر (۸ : ۲۹) و فهرست دانشگاه (۲ : ۱۸۱) و مجلس (۳ : ۱۸۸) آثار او برشمرده شده است ولی نسخه‌ای از آن نشان نداده‌اند. در فهرست‌های دیگر هم تا آنجا که گشته‌ام سراغی از آن نگرفته‌ام و نه از قانون استیفاء که باید جز رسائل الاعجاز او باشد.

۹- ترجمه ادوار: قاضی عمادالدین یحیی بن احمد کاشانی ادیب ریاضی- دان شیعی که به فرمان جمال‌الدین ابواسحاق اینجو (۷۴۳-۷۵۸) متن صفی-الدین ارموی را در آن بفارسی برگردانده و درچاشت روز دوم محرم ۷۴۶ آن را به پایان برده است (فهرست فیلمها ص ۱۷۴ و ۳۷۱ و ۴۲۶ و ۷۷۷- ادبیات ۳ : ۶۱- دانشگاه ۴۲/۲۴۰۱) :-

«آغار: حمد سپاس و درود بی پایان لایق حضرت مالک-الملکی باشد که اگر در آن به هزار دستان بیان ساز مدح و ثنا نوازد و نغمات آفرین و دعا بردارد و درتألیف سخن و ایقاع سحر-پیمایی ید بیضا نماید... قاصر آید... فصل اول در تعریف نغمه و بیان حدت و ثقل... فصل پانزدهم در مباشرت عمل.»

انجام :

«تحریر این رساله به فرمان آن شاهی
کز دولتش امور جهان با نظام شد
روز دوم ز ماه محرم زمان چاشت
در سال هفتصد و چهل و شش تمام شد
بحمدالله و حسن توفیقه و الهدایه الی سوا طریقه.»

رتال جامع علوم انسانی

نسخه‌ها :

- ۱- مجلس ش ۲۲۰۷ (۶ : ۱۶۸).
- ۲- برلین Or. 2854 (فهرست هیئتس ش ۲۵۵).
- ۱۰- کنزالتحف : رساله ایست در فن موسیقی و در آن از سید غیاث-الدین حسینی در مقدمه ستایش شده است و چنین است فهرست آن :-
«مقدمه در بیان شرف این صناعت بر سایر صناعات و سبب تألیف این رساله و داستان سفر مرموز فکر و خیال.
مقاله ۱- در علمی موسیقی در دو قسم :

۱- در حدود و تعریفات موسیقی.
۲- در علت اسباب حدت و ثقل و عوارض.
مقاله ۲ در عملی موسیقی در دو قسم :
۱- در تعریف عود و تسویه اوتار آن و استخراج ادوار و آوازاها از آن .

۲- تشریح ایقاعات سبعة مشهور و انتقال سخن.
مقاله ۳ در تصنیع سازات و تعدیل آن .
مقاله ۴ در وصیتی که طالبان این فن را بکار آید و بیان اشعاری که مناسب تألیفات باشد با شعرهای سعدی در اینجا. چنین است ماده تاریخ آن .

آن روز کز احداث جهان مهمل بود
در آخر این رساله ام مدخل بود
اندر سنه « ل ح ذ د و بو »
بیست و دوم جمادی اول بود

که گویا ۲۲ ج ۷۵۶/۱ از آن خواسته شده باشد ولی ۷۴۹ و ۷۴۶ و ۷۴۱ و ۷۶۴ و ۷۸۹ هم گفته اند. از نسخه های آن در فهرست لیدن (۳ : ۳۰۲) و ذیل ریو (ص ۱۱۵ ب) و دیوان هند (ش ۲۷۶۳ مورخ ۱ ذق ۷۸۴) یاد شده است. ریوبه نسخه Or. 2361 هم اشاره کرده است.

آغاز: « شکر و سپاس بی حد و قیاس سزاوار حضرت آن پادشاهی که در سر پرده عظمتش ... »

۱۱- خلاصه الافکار: شهاب الدین عبدالله صیرفی خنیاگر خوشنویس که در آن الادوار ارموی را شرح کرده و آن را بنام سلطان اویس (۷۵۷-۷۷۶) ساخته است .

خواجه عبدالله بن محمود صراف صیرفی تبریزی در گذشته بسال ۷۴۲ مؤلف اصول خطوط سته یا رساله خط هم داریم (هنر و مردم ۷-۸۶: ۳۳) من نمیدانم ایندویکی اند یا نه (فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۷) .

۱۲- فرید الزمان فی معرفة الالحن ، در موسیقی ایرانی ، از مؤلف غنیة المنیة و پیش از آن و به درخواست فرمان روای گجرات امیر شمس الدولة والدین ابراهیم حسن ابورجا ساخته شده است .

نسخه : فهرست سرفراز علی رضوی ص ۶۶ (انجمن ترقی اردو ، پاکستان) .

۱۳ - غنیة المنیة : در موسیقی هندی که در زمان ابوالمظفر فیروزشاه (فیروزالدین تغلق ۷۵۲-۷۹۰) بسال ۷۷۶ بدرخواست فرمانروای گجرات امیر شمسالدین والدین ابراهیم حسن ابورجا ساخته شده و ترجمه ایست از سانگیت درین که بزبان سنکریت است. مترجم می نویسد که «من بدرخواست همو، اندکی پیش ازین، فریدالزمان فی معرفه الالحن راکه در موسیقی ایرانی است بفارسی برگردانده ام، پس باید اصل فریدالزمان عربی باشد.

این رساله در دو قسم است :

نخستین در دو باب :

۱- در معرفت سرود در چهار فصل .

۲- در معرفت مزامیر در دو فصل .

دومی در دو باب :

۱- در بیان رقص .

۲- در شرایط و آداب مجلس سرود واصحاب محاسن و

معایب بعضی اصحاب و جز آن در هشت فصل .

نسخه : دیوان هند ۲۰۰۸ با تصاویر .

۱۴ - شرح الادوار : لطف الله بن محمد بن محمود بن محمد بن اسعد

سمرقندی که در ۷۹۸ بنام امیرزاده سیدی به فارسی ساخته است.

نسخه ها :

۱- ملك ش ۱۶۴۷ نستعلیق سده ۱۴، آغاز وانجام افتاده.

۲- دکتر وصال در شیراز مورخ رجب ۹۵۴ (نشریه ۵ : ۲۹۳) .

۱۵ - ترجمه الادوار ارموی، درست ترجمه است و دیباچه ای ندارد.

آغاز: بسمله. بعد از سپاس وستایش حق جل و علا و درود

پاك مقدس بروان پاكان و برگزیدگان ... فرموده کسی که امثال

او امرش بر من واجب است و تیمن به سعی در مرادهای خاطرش

تا مختصری در شناخت نغمها و سبب ابعاد آن .

انجام: براین اکتفاء کنیم در این فن والحمد لله رب العالمین

والصلاة علی محمد وآله اجمعین .

نسخه : ملك ۸۳۱/۲ نخ سده ۱۰ و ۱۱ (شماره ۱ آن متن الادوار است ، نستعلیق حسن بن احمد بن علی در روز شنبه ۲ ج ۲/۹۸۴ و این یکی باید به خط دیگر باشد).

۱۶ - جامع الالحن از عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی حافظ خوشنویس شاعر موسیقی دان گوینده مورخ محرم ۸۰۸ و ۹ محرم و ۱۱ صفر ۸۱۶، در يك مقدمه ودوازده باب و خاتمه که در فهرست بادلیان (ستون ۱۰۵۷) وصف آن آمده است . مجالسی که در عرفات العاشقین از آن نقل شده است باید همان باشد که در خاتمه این کتاب دیده میشود (مقاصد الالحن ص ۳۰ و ۳۵ و ۱۷۴ - فارمر در دائرة المعارف اسلامی - فهرست فیلمها ص ۲۶۱) آغاز آن مانند زبده الالحن است، اوراست کنز الالحن که در مقاصد الالحن از آن یاد کرده است، ولی بگفته فارمر نسخه ای از آن در دست نیست. (دانشمندان آذربایجان ص ۲۵۸)

چنین است فهرست مطالب آن :

مقدمه در تعریف موسیقی و کیفیت حدوث صناعت موسیقی و موضوع و مبادی آن و در آنکه علت غائی این فن چیست.

باب اول در تعریف صوت و نغمه و سبب وصول آنها به سامعه و بیان اسباب حدث و ثقل .

باب ثانی در تقسیم دساتین به طریق صاحب ادوار از وتر واحد و به طریق دیگر که از آن طریق مقدار بعد بقیه و نسبت حاشیتین آن روشن شود .

باب ثالث در بیان ابعاد و ذکر نسب آنها و اضافات ابعاد بعضی به بعضی و فضل ابعاد بعضی از بعضی و تقسیم هر بعدی به قسمی متساوین و بیان اسبابی که موجب تنافر باشد.

باب رابع در ذکر بعضی از اصناف اجناس و نسب ابعاد و اعداد آن و تألیف ملائم از اقسام بعد ذی الاربع و بعد ذی الخمس و ترتیب دوائر از اضافات اقسام طبقه ثانیه به اقسام طبقه اول .

باب خامس در حکم وترین و ثلثه اوتار و اربعة اوتار که عود قدیم است و خمسة اوتار که عود کامل است و اصطحاب اوتار آنها با یکدیگر به طریق معهود .

باب سادس در بیان ادوار مشهور و طبقات ادوار و

تعیین آوازا ته و آنچه مولانا قطب‌الدین شیرازی برصاحب ادوار اعتراض کرده و جواب آنها که گفته ام و بیان شعبات بیست و چهارگانه .

باب سابع در اشتباه ابعاد بیک دیگر و اشتراك نغمات ادوار بایکدیگر و ترتیب اجناس در طبقات ابعاد عظمی و ذکر نسب و اعداد آنها .

باب ثامن در بیان ادوار مشهور در جمع تام چنانکه هر دایره با نظایر در آن مترتب شود و ذکر اسامی نغمات ملایمه به الفاظ عربیه و یونانیه .

باب ناسع در ذکر دستاین مستوی و منعکس و اصطحاب غیر معهود و طریق پیدا کردن ترجیعات .

باب عاشر در بیان قاعده‌گرفتهای مشکل بردستاین عود از متشابهات و مخالفات و تعلیم خوانندگی به حلق و ذکر ترکیبات قریب الفهم و بعید الفهم و بیان تحریرات که از اجزای حلق حاصل شوند و ذکر اسامی و مراتب آلات الحان .

باب حادی عشر در ادوار ایقاع به طریق قدماء و چنانکه درین زمان مستعمل و متداول است و ذکر اصول و فروع ادوار ایقاعی که مخترع این فقیر است و ذکر دخول تصانیف .

باب ثانی عشر در تأثیر نغم ادوار و ذکر اصابع سته و طریق قدیم و مباشرت عمل و طریقه ساختن تصانیف در عملیات این فن .
خاتمه در آنکه مباشرت این فن چگونه رعایت آداب مجالس کنند و در آنکه در هر مجلس مناسب آن مجلس خوانند و قاعده ممارست درین فن و طریقه تلحین مغول و اسامی کوکهای ایشان و ذکر اسامی مباشران این فن و بیان شدودی که به عود در عمل آورند و با آن تلحینات و ترجیعات و نواختها کنند به نوعی که سامعان صاحب ذوق غالب شوق بگریند و بخندند و در خواب شوند .

نسخه‌ها :

۱- بادلیان ش ۱۸۴۲ ، نسخه اصل مراغی مورخ ۸۰۸ برای پسرش نورالدین عبدالرحمن و تجدید شده در ۸۱۶ .

- ۲- نور عثمانی ش ۳۶۴۴، اصل مورخ ۸۱۸ بنام سلطان شاهرخ.
 ۳- نور عثمانی ش ۳۶۴۵، به خط نستعلیق بنام سلطان شاه رخ.
 ۴- در بادلیان گزیده آن از خود مراغی و مورخ ۸۲۱ برای بایسنغر هست.

۵- ملك ۶۳۱۷/۲ گ ۱۵ پ - ۱۶۲ پ، از سده ۱۱، انجام افتاده، در دیباچه کنز الالخان فامیده شده ولی آغاز آن مانند زبدة الادوار و جامع الالخان است و فصول آن مانند جامع الالخان.

۱۷- مقاصد الالخان: کمال الدین عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی (۷۵۴-۸۳۷) که بنام سلطان مرادخان عثمانی (۸۲۴-۸۵۵) و بنام امیر بایسنغر پسر شاهرخ در گذشته بسال ۸۳۷ در روز آدینه ۲۱ شوال ۸۲۱ در یک مقدمه و دوازده باب و یک خاتمه ساخته و بیشتر از درة التاج قطب شیرازی گرفته است. در آن از صفی الدین عبدالؤمن ارموی و خواجه رضوان شاه و شمس الدین سهروردی و علی ستایی و حسن زامرو و حسام الدین قتلغ بوغا از موسیقی دانها یاد شده است (فهرست فیلمهاص ۲۰۲ - گفتار فارمرد در دائرة المعارف اسلامی بفرانسه چاپ دوم - چاپ دوم - چاپ تقی بینش در تهران در ۱۳۴۴).

نسخه‌ها:

- ۱- نور عثمانی، ۳۶۵۶ مورخ ۹۰۳.
 ۲- آستان قدس، ۱۶۳ مورخ ۱۲ رمضان ۸۲۱، فهرست ۳: ۳۵.
 ۳- بادلیان، ۱۸۴۳ مورخ ۲۱ شوال ۸۲۱ که با نسخه دوم همین جا کمی جدایی دارد. *شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
 ۴- بادلیان، ۱۸۴۴ مورخ روز سه شنبه ۳ محرم ۱۰۷۷ در اکبرآباد و مقابله شده در همین شهر و نوشته از روی نسخه مورخ ۴ رمضان ۸۴۲ برای شاه قبادین عبدالجلیل حارثی بدخشی، مقدمه ای دارد که در آن روایاتی آمده از پیغمبر در وصف آواز خوش با خاتمه ای نزدیک به خاتمه جامع الالخان و در آن آمده که بیشتر از درة التاج گرفته شده و کتاب ناظر بآنست.
 ۵- لیدن، ۳: ۵-۳۰۲.
 ۶- نسخه رئوف یکتاییک.
 ۷- روان کوشکو، ۱۷۲۶، نوشته محمد بن محمود بن الیاس (گویا پسر فقیه نجم شیرازی) در ۸۳۸ (فهرست طوپقپو سرای ش ۲۷۹).

۸- ملك ، ش ۱۶۴۹ ، نستعليق سده ۹ .

۹- ملك ، ش ۸۳۲/۱ مورخ ۸۳۷ .

۱۰- دانشگاه ، ش ۳۲۰۳ مورخ ۱۲۹۱ .

۱۸- زبدة الادوار: عبدالقادر بن غياث الدين غيبى حافظ مراغى (۸۵۴

- ۸۳۷) در يك مقدمه درسه فصل ويك مقاله در دو فصل ويك خاتمه داراى

زوايد و فوايد در شرح الادوار ارموى.

اورساله زوايد الفوايد خویش را که پس از آن نگاشته بوده است بر آن

افزوده است .

چنين است فهرست آن :

«مقدمه در سه اصل :

۱- در معنى لفظ موسيقى .

۲- در بيان موضوع موسيقى .

۳- در بيان مبادى موسيقى .

مقاله در دو فصل :

۱- در شرح ادوار و نغمات در چند فصل .

۲- در شرح آواز ايقاعات تا فصل ۱۳ .

خاتمه مشتمل بر زوايد و فوايد درشش فصل»

او در آغاز آن از تعريف لحن سخن داشته و از فارابى نقل کرده و از

الشرقية ارموى و لوازم الموسيقى احمد بن جعفر بن الحسين بن على بن احمد

مدائنى حداد ياد نموده است. در پايان چنين آمده است که درين زمان شيخ

عبدالرحمن مراغى و خواجه رضوان شاه تبريزى هستند ، از پيشينيان ، از

صفى الدين عبدالؤمن ارموى مؤلف الشرفية و شيخ شمس الدين سهروردى

جامع خط و موسيقى و على ستابى و حسن زاهر و زيتون را ياد ميكند (فهرست

ميكرو فيلمهاى كتابخانه مركزى دانشگاه ص ۱۲۹ - فهرست دانشگاه ۳: ۱۰۷)

آغاز : و ماتوفيق الابالله العلى الكبير . حمدى غايت و شكر

بى نهايت قادرى را که انواع موجودات را به كمال قدرت و تمام

حكمت از عدم به وجود آورد .

انجام: به‌یمن همت مبارک او چنانکه دلخواه بود الحمدلله
علی نعماته .

پس از این عبارت جدول ودوائر است در ۳ ص به‌عنوان بیان الواح
که از فولاد سازند. سپس فصل سادس از خاتمه در بیان طریقه شدودی که به
عمل آورند و بآنها تلحینات گویند به‌نوعی که سامعان صاحب ذوق بگریند و
بخندند و بخواب روند تا میرسد به عبارت: «وقت عداوردن (؟) است
استغفرالله العظیم» .

سپس وصف شدود ودائرها است پس ازین در نسخه سپه رساله ایست
به ترکی که در آن از صفی‌الدین عبدالؤمن ارموی و ابوعلی سینا و ناصرالدین
فارابی و استاد کمال‌الدین یاد شده است .

نسخه‌ها :

- ۱- مدرسه سپهسالار تهران ش ۵۶۵/۱ (۵ : ۱۴۱) نوشته فتح‌الله بن
ابی‌یزید شایرانی (شروانی) در روز یکشنبه ۲۶ شوال ۸۴۵ از روی خط
مؤلف. او مترجم الانوار الاعمال‌الابرار اردبیلی است بفارسی و شارخ‌التذکره
طوسی پس از ۸۷۵ به عربی (دانشگاه ۴: ۵۹۰۷: ۱۸۲۵) .
- ۲- کتابخانه ملی ملک تهران ش ۱۴۷۶، نوشته ۱۶ صفر ۱۲۸۳ در
نجف در قزاق‌نچای تهران .
- ۳- همانجا ش ۶۲۹۵، نسخ آغاز سده ۱۴ از روی خط همان شایرانی
از روی خط مؤلف (همان ش ۵۶۵ سپه) .
- ۴- کتابخانه ملی فرهنگ تهران (فیلم ش ۲۹۲۷ کتابخانه مرکزی) .
- ۵- کتابخانه نورعثمانی در استامبول (فیلم ش ۴۹۱ همانجا) .

دنباله دارد

پرتال جامع علوم انسانی